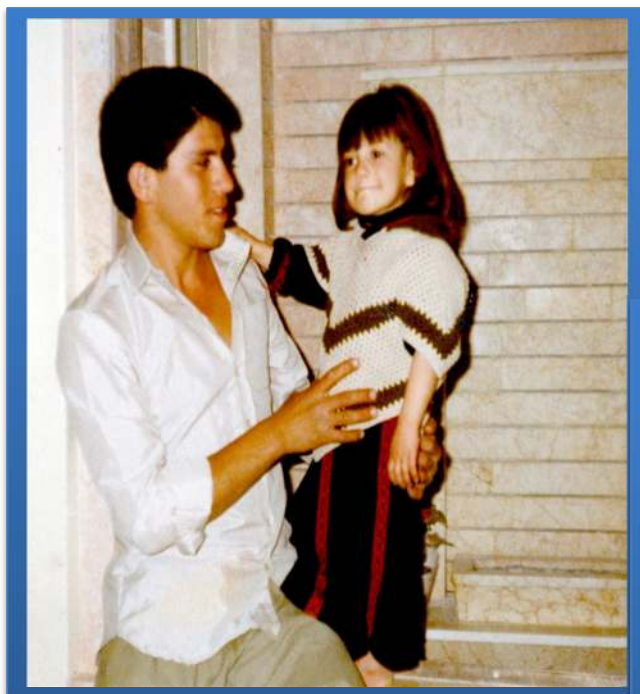




نام: سید مجید
 نام خانوادگی: متولی
 نام پدر: سید مصطفی
 تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۴/۶
 محل تولد: نجف آباد
 تحصیلات: دیپلم
 وضعیت تأهل: مجرد
 عضویت: سپاه - ۱۳۶۰/۹/۱۰
 مسئولیت: فرمانده گردان جندالله سپاه
 مریوان
 تاریخ تولد: ۱۳۶۳/۴/۵
 محل شهادت: مریوان
 نحوه شهادت: توسط ضدانقلاب
 محل دفن: گلستان شهدا اصفهان



مجید سومین فرزند سید مصطفی بود که ششم
 تیرماه سال ۱۳۴۱ در نجف آباد اصفهان به دنیا آمد.



درس و مدرسه را در دبستان مکینه خواجه شروع کرد. شاگرد درس خوان و زرنگی بود. از درس و مدرسه که فارغ می شد، کار می کرد. شاگرد یک مغازه طلا فروشی در بازار بود.



سال ۱۳۵۷، یکی دو سالی می شد که در رشته برق هنرستان رازی درس می خواند. از همان ماه های اول سال به خاطر اعتصاب های قبل از انقلاب، مدرسه شان نیمه تعطیل بود. سیدمجید هم به تظاهرات و درگیری های خیابانی مشغول شد.

انقلاب که پیروز شد، سیدمجید و رفقاییش با محوریت مسجد محل، پست‌های ایست و بازرسی می‌گذاشتند و گشت می‌زدند. بعداً همان مسجد پایگاه بسیج شد و سید هم یکی از بسیجی‌های آن پایگاه.



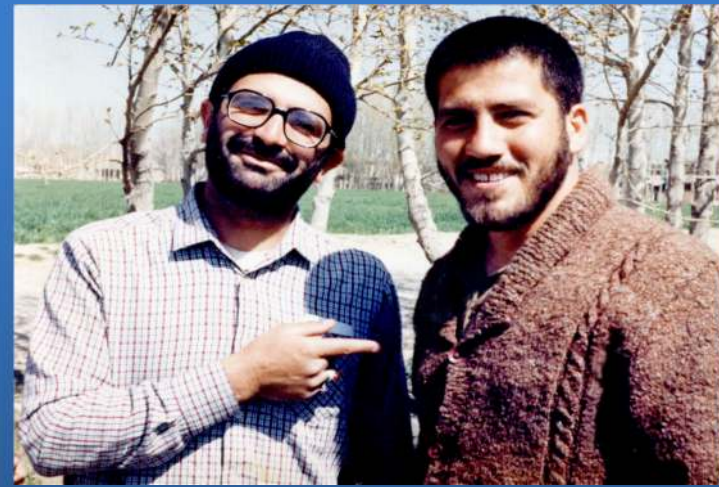
کردستان که ناامن شد، به عنوان نیروی جهادی به آنجا رفت. چون رشته درسی‌اش برق بود، در قسمت برق‌رسانی جهاد مشغول به کار شد.



سال ۱۳۶۰، عضو سپاه شد و به جمع رزمندگان
پیوست. مدتی در اطلاعات - عملیات سپاه بوکان بود.



مسئولیت پذیریش باعث شد تا برای حفاظت از
حاج آقا موسوی، نماینده حضرت امام در کردستان
انتخاب شود. مدت زیادی را محافظ نماند، چون با
روحیه رزمندگی اش سنخیت چندانی نداشت.





به سنج بركشت و در كنار فرماندهانی مثل حاج اكبر آقابابایی، سیدحسین روح‌الامین، محمدرضا افیونی و مهدی هشتمردی نقش مهمی در پاكسازی روستاها و محورهای مواصلاتی منطقه داشت.



۵ تیرماه ۱۳۶۳، سید مجید با محمدرضا افیونی و مهدی هشتمردی برای جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی منطقه راهی مریوان شدند.



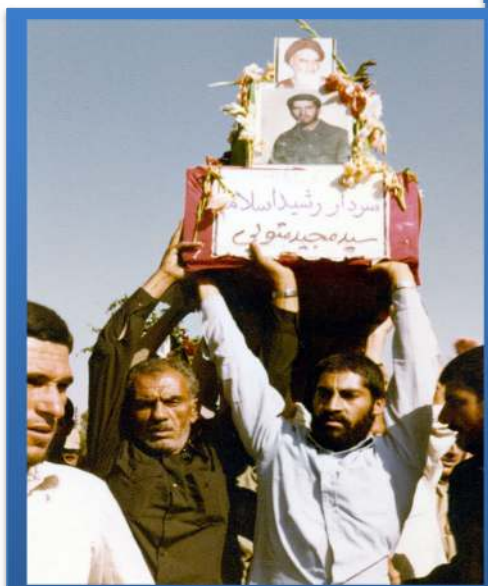
قرار بود یک عملیات برون مرزی را اجرا کنند.
بین راه در سه راه حزب الله به ماشینی
برخوردند که به ظاهر تصادف کرده بود.



هر سه نفر برای کمک به سرنشینان خودرو پیاده
شدند، غافل از این که ضدانقلاب برای آنها تله
گذاشته و در کمین شان نشسته است.



هشتمردی در همان لحظات اول شهید شد. سید
مجید و محمدرضا آخرین گلوله‌هایشان را هم شلیک
کرده بودند و چاره‌ای غیر از عقب‌نشینی نداشتند.



موقع عقب‌نشینی تیری به پای سیدمجید خورد و زمین‌گیرش کرد. نمی‌توانست راه برود. افیونی که جلوتر بود، برای کمک به سید برگشت، اما تیری به سرش خورد و او هم شهید شد. سیدمجید، هشت‌مردی و افیونی هر سه شهید شدند.